

صلح ناگزیر

دفاع از صلح و امنیت و حفظ آرامش و احترام به اصل حیات مردمان سراسر جهان، اولویتهای زندگی نسل کنونی را تشکیل داده و کلیه باشندگان کره زمین و بخصوص نسل جوان بالنده و محافل و سازمانهای صلحدوست در هر کشوری، در زمینه، وجایب و مسوولیتهای خطیری بدوش دارند. قبل از طرح مسایل در مورد و تجزیه و تحلیل موضوعات جنگ و صلح، باید اظهار داشت در مقطع زمانی کنونی که بیش از هر زمان دیگر، اندیشه و مفکوره «جهانی سازی» و جهان یک قطبی به خورد دیگران داده میشود، باشندگان هرسرزمینی و هر قاره جهان ما، رسالت پیام رسانی، انتقال تجارب و وظیفه سترگ معرفی واقعیتها را و افشای بموقع اقدامات و فعالیتهای خصمانه و ریاکارانه بسیاری از محافل رسمی و غیررسمی کشورهای مختلف جهان را بدوش میکشند. قابل یادآوریست که کانونهای جنگ و مخاصمات را قبل از همه شناسایی و درجهت برچیدن آنها باید جد و جهد ورزید، بدون توجه به ریشه ها نمیتوان به مأمول مورد نظر نایل گردید. پس از کلی گویی هایی ذکر شده، به مطالعه و بررسی چون و چراهای مسأله گفته آمده، در عرصه روابط بین المللی خواهیم پرداخت و همچنان سعی بعمل میآید تا عملکرد دولتها و موضعگیری محافل رسمی و غیررسمی در زمینه مورد مذاقه و بررسی موشگافانه قرار گیرد. اینک اندکی به عقب برمیگردیم تا باشد به پس منظر مسأله مورد بحث نیز نظر گذرایی انداخته شود. در اینمورد میتوان از سعی و تلاش مشترک بخاطر حفظ امنیت و همچنان از اقدامات جمعی علیه تحرکات نظامی در سال ۱۹۵۰، نامبرد (جنگ کوریا ۱۹۵۰ - ۱۹۵۳) و همچنان از اقدامات علیه عراق که در اثر حمله کشور اخیر الذکر بمنظور تصرف کویت صورت گرفت، میتوان یادآوری کرد (جنگ خلیج). اما در عملکردهای دوگانه فوق، هیچ مثال و نمونه ای از امنیت دستجمعی به مشاهده نمیرسد. متذکر باید گردید که طی ماده ۴۱ (فصل هفتم) منشور سازمان ملل متحد، صلاحیتهای شورای امنیت،

مشخص گردیده است. در مورد متذکره میتوان از مشکل رودیشیا (۱۹۶۶) که با تعزیرات محدود و در سال ۱۹۶۸ به وضع تعزیرات کامل بر علیه آن کشور انجامید، همچنان وضع تعزیرات محدود ارسال سلاح و مهمات جنگی به افریقای جنوبی در سال ۱۹۷۷ را نامبرد، پس از سال ۱۹۹۰، نیز وسیله متذکره بکارگرفته شد: تعزیرات اقتصادی علیه عراق طی سالهای ۱۹۸۸ - ۱۹۹۰، بصورت مجموعی پنج مراتبه صورت گرفت.

باختم جنگ سرد، عملیات حفظ و پاسداری صلح مشخصات جدیدی کسب نمود که میتوان در چنین مورد، موجودیت دو نوع عملیات را از همدیگر تفکیک نمود؛ نوع نخست، نحوه عملیات حفظ صلح در سال ۱۹۸۸، بود که عمدتاً وظایف دوگانه ذیل را بدوش داشت: نظارت از حفظ و مراعات آتش بس از طریق ایجاد مناطق غیر نظامی و جابجایی نیروهای حافظ صلح سازمان ملل متحد در محل مورد نظر. همچنان، نخستین شرط اجرای آتش بس، بمثابة توافق کلی و همه جانبه طرفهای درگیر مناقشه پذیرفته شده است. بیشترین عملیات متذکره که در دوران جنگ سرد آغاز گردید، در همان دوره نیز به انجام رسید، اما وظایف این عملیات، بصورت معین و محدود بود (سازمان ملل متحد نمیتواند طرفهای درگیر را مجبور به ترک اختلافات شان نماید) در اینمورد میتوان موارد پنجگانه ذیل را نامبرد: کمیسیون نظارت سازمان ملل متحد بر متارکه جنگ در شرق میانه، گروه دیده بان نظامی سازمان ملل متحد در هندوستان و پاکستان، گروه حافظ صلح پایدار سازمان ملل متحد در قبرس، قوای ناظر سازمان ملل متحد بمنظور رفع مناقشات میان سوریه و اسرائیل، نیروهای موقت سازمان ملل متحد در لبنان. اما با وجود اینهمه، برخوردهای موجوده ادامه حاصل نموده و مسایل و موضوعات مورد مناقشه اصلاً مورد حل و فصل قرار نگرفت.

از اوایل سال ۱۹۸۸، شمار بسیار زیادی از عملیات صلح توسط سازمان ملل متحد و با توافق همه اعضای دائمی شورای امنیت آغاز گردید. همچنان در نظر باید داشت که نوع و خصوصیات فعالیتهای حفظ و پاسداری صلح را از کوششهایی بمنظور تحمیل صلح باید مجزا و تفکیک نمود، در بسیاری از مواقع وجوه تمایز میان ایندو مبهم و ناآشکار بنظر میرسد. در مورد عملیات نیروهای حافظ صلح باید گفته شود که عملیات متذکره بخصوص در منطقه و بخش مرزی بمنظور حفظ و نگهداری صلح و یا همچنان بمنظور تحمیل اصل صلح صورت میگیرد. گروه انتقال کمک به نامیبیا وابسته به سازمان ملل متحد در نامیبیا بمثابة نخستین نوع از چنین عملیات سازمان ملل متحد محسوب میگردد.

بارتباط موضوع گفته آمده، عملیتهای سازمان ملل متحد در کمبودیا، ماموریت رسیده گی به امور انگولا توسط سازمان ملل متحد، قوای حافظ صلح وابسته به سازمان ملل متحد در یوگوسلاویا،

عملیات سازمان ملل متحد در سومالیا و عملیات ایساف در افغانستان را میتوان نامبرد .

ضرورت دوباره اندیشی و تفکر مجدد در مورد شرطهای دوگانه سنتی برای عملیات حفظ صلح ایساف در افغانستان از مسایل مورد بحث در این مقطع میباشد، چنانچه پیشبینی گردیده بود، اکنون ما شاهد آن هستیم که نیروهای امنیتی افغان توان رهبری عملیاتها را در سراسر کشور دارند . نیروهای ایساف، حمایت خود را از هم پیمانان افغان خود همچنان ادامه داده و عملا جهت حمایت خود را به آموزش ، مشوره دهی و همکاری تغییر میدهند، بگفته یکی از افسران مسوول، این همکاریها را تا زمانی ادامه خواهند داد تا مطمئن شوند که ادامه حمایتها، نیروهای امنیتی افغان را بیک نیروی حرفوی و تخصصی مبدل میسازد . اکنون که سال ۲۰۱۴ ختم گردیده، ماموریت جدید ایساف آغاز گردیده که ماموریت حمایت متداوم یاد میشود . این ماموریت کوچکتر خواهد بود و بیشتر روی آموزش، مشوره دهی و همکاری تمرکز خواهد داشت، اما در سطوح مختلف، ایساف آموزش و مشوره دهی را در سطح بالا انجام داده و با وزارتهای امنیتی همکاری خواهند کرد . آنها(ایساف)، بیشتر روی مسایل محوری تمرکز میکنند . ایساف چنین میپندارد که باید از دستاوردها حمایت کنند . بنا برآن میخواهند تا روی حرفه ای سازی نیروهای امنیتی تمرکز نمایند که یکی از تلاشهای اساسی در ماموریت ایساف میباشد . نیروهای ایساف، چیزی که بالای آن کار کردند و اکنون نیز بالای آن کار مینمایند، ناشی از تلاشهای دستجمعی ۴۹ کشور عضو ایساف است . جامعه جهانی، سرمایه گذاری بیسابقه ای را بالای افغانستان نموده اند . چیزی که از فعالان سیاسی در بروکسل میشنویم و دیدگاه جامعه جهانی این است که ملتهای جهان متعهد میباشند تا افغانستان را حمایت کنند تا بتوانند در آینده دستاوردها را در این کشور حفظ نمایند که این بذات خود، یک تعهد قوی میباشد .

اما یادآور باید شد که برخی از اشخاص نیدخل در امور مربوط به افغانستان، از کمبود تجهیزات نیروهای امنیتی نگرانی دارند و نبود تجهیزات کافی را معضله اساسی فرا راه این نیروها میدانند . آیا نیروهای امنیتی افغانستان قادر خواهند بود تا امنیت را مستقلانه تامین کنند؟

در مورد باید گفت که بلی .

در زمان انتخابات، نیروهای افغان بخوبی توانستند از عهده تامین امنیت در مدت زمان انتخابات ریاست جمهوری بدرآیند و به یقین که اکنون قادر گردیده اند تا تمامی مسوولیت های امنیتی را بدوش گیرند . دشمنان مردم افغانستان، تلاش دارند تا نیروهای امنیتی را هدف قرار داده و همچنان سعی میورزند تا احساس نا امنی را گسترش دهند، اما آنها این توانایی را ندارند که به اهداف شان برسند و این کار باعث شده که اعتماد بنفس نیروهای امنیتی افغان بیشتر شود . برای گروههای شورشی فرصت

نخواهد بود تا آنها آموزش ببینند و آنها قادر نخواهند بود تا به واحدهای اداری کشور تسلط یابند. نیروهای امنیتی افغان باورمندی بیشتری کسب کرده اند. در آخرین عملیاتی که توسط نیروهای افغان صورت گرفت، توانایی نیروهای افغان را نشان داد. در این عملیات، ترکیبی از عناصر مهم چون نیروهای ویژه و نیروهای هوایی شرکت کرده بودند و این یک عملیات بسیار موفقیت آمیز بود. آنها توانستند تهدیدات را برطرف نموده و کمکهای بشردوستانه را فراهم نمایند. ماموریت حمایت متداوم در افغانستان، پس از ماموریت ایساف آغاز میگردد. فعلا وضعیت طوریت که تمامی کشورها میخواهند در افغانستان باقی بمانند. در مورد پروسه صلح در افغانستان، موضعگیریها و دیدگاههای مختلف و چندگانه ای را باید مورد غور و بررسی قرار داد:

دیدگاههای جامعه جهانی، دولت افغانستان، دولت پاکستان، اپوزیسیون دولت افغانستان، جامعه مدنی افغانستان و گروه طالبان.

- نقش جامعه جهانی که در طول مدت بیشتر از چهارده سال بمثابه عمده ترین حامی سیاسی، مالی و نظامی افغانستان در پی آنست تا پس از سپری شدن دوره ماموریت جنگی و نظامی و بخصوص پس از حضور فعال نظامی و حربی آن کشور، زمان ترک کشور ما، مطمئن شود که افغانستان بار دیگر به لانه تروریستان تبدیل نشود؛

- دولت افغانستان با وجود برخی تفاوتها در دیدگاهها و موضعگیریهای جامعه جهانی و دولت افغانستان، دیدگاه شبیه جامعه جهانی دارد؛

- دولت پاکستان در موضعگیری در قبال اوضاع افغانستان، با وجود آنکه مبالغ هنگفت پولی و کمکهای تسلیحاتی از غرب دریافت میدارد، در امر مبارزه علیه تروریسم صادق نیست. پاکستان همیشه در پی حمایتهای مالی و سیاسی جهان است تا تامین صلح در افغانستان و همچنان پاکستان متهم به حمایت از شورشیان نیز میباشد؛

- اپوزیسیون و دیدگاههای آن بصورت مشهودی متمایل به روند گفتگوهای صلح میباشد، جناحهای اپوزیسیون به این نتیجه رسیده اند که صلح بدون همکاری آنها در افغانستان تأمین شدنی نیست؛

- جامعه نوپای مدنی افغانستان نگران آینده سرنوشت دموکراسی و ارزشهای حقوق بشری در افغانستان است. این طیف از جامعه افغانستان ضمن اینکه دغدغه صلح در افغانستان را دارد ولی معتقد است که با همه گروههای مخالف موجود باید روی میز مذاکره نشست؛

- طرز دید و نگاه طالبان از آغاز سقوط تاکنون، در رابطه به مسایل افغانستان تغییر قابل ملاحظه ای را نشان نمیدهد، طالبان بگونه رسمی، طرف مذاکره کننده خود جامعه جهانی را میپندارند و بدین

باوراند که در رابطه با سرنوشت آینده سیاسی افغانستان باید با جامعه جهانی بمثابه اصلی ترین و عمده ترین طرف منازعه وارد گفتگو شوند؛

- ایساف یعنی نیروهای کمک به امنیت بین المللی تحت رهبری سازمان ملل متحد به دولت افغانستان در اعمال و انکشاف قدرت و نفوذش در کشور کمک میکند تا شرایط را برای ایجاد ثبات و بازسازی افغانستان آماده نماید. متذکر باید گردید که بتاريخ ۷ ماه جدی سال ۱۳۹۳، ماموریت نظامی نیروهای ایساف در افغانستان رسماً پایان یافت، ماموریت پشتیبانی قاطع از نخستین روز ماه جنوری سال ۲۰۱۵، بگونه عملی آغاز گردید که عمدتاً بر آموزش و مشوره دهی نیروهای امنیتی افغان و نیز فراهم سازی زمينه های مالی برای تمویل این نیروها تمرکز خواهد داشت. بتاريخ ۸ ماه جدی سال ۱۳۹۳، انتقال مسووليتهاى امنیتی از نیروهای خارجی به نیروهای امنیتی کشور، صورت گرفت. نهادهاى امنیتی میگویند که با انتقال کامل مسووليتهاى امنیتی از نیروهای خارجی به نیروهای افغان، باورمندی به نیروهای بومی افزایش خواهد یافت و جامعه جهانی به تمامی نیازهای نیروهای افغان پاسخ خواهد داد. اکنون مدت دوازده روز است (امروز مطابق ۱۲ جنوری سال ۲۰۱۵) که اردوی ملی افغان، بصورت مستقلانه مسوولیت امنیتی و جنگ را بدوش گرفته اند. قرار است پس از خروج کامل نیروهای خارجی، بتعداد ۱۱ هزار نظامی امریکایی و همچنان بتعداد دوهزار نظامی ناتو از سایر کشورهای عضو آن، غرض تربیه و مشوره دهی در افغانستان باقی مانده و بوظایف خویش ادامه دهند.

و اینست ناگزیریهای صلح در افغانستان عزیز!